

درباره:

اعدام انقلابی سه امریکائی جاسوس و
مستشار قنی نیروی هوائی رژیم شاه مزدور

اینست پاسخ مابه شکنجه و کشتار وحشیانه انقلابیون
ایران توسط رژیم شاه جنایتکار

اینست پاسخ اعتراضی خلق مابه سلطه غارتگرانه
امپریالیست های خونخوار امریکائی بر سر نوشت

و مقدرات میهن ما

در ساعت ۷ و ۵ دقیقه ی بامداد روز شنبه ۶ شهریور ۱۳۵۵ ، همزمان با فاش شدن قرارداد ننگین و غارتگرانه ی ۴۰۰ میلیارد تومانی هنری کیسینجر - این رویاه مکار و دلال سر سپرده ی سرمایه داری - انحصاری آمریکا - با رژیم دست نشانده ی شاه خائن ، حکم انقلابی اعدام سه تن از مستشاران فنی نیروی هوایی به اسامی ویلیام کاترل ، رابرت کرونگارد ، دونالد اسمیت توسط یک واحد از رزمندگان سازمان مجاهدین خلق ایران اجرا گردید . این حکم مخصوصا به انتقام خون دها تن از فرزندان دلاور خلق که در فاصله ی اردیبهشت تا تیرماه سال جاری بدست جلادان سازمان امنیت شاه جنایتکار به شهادت رسیده بودند ، در دادگاه انقلابی خلق صادر شده بود .

انقلابیون ما با یک اتومبیل در خیابان خیام منشعب از میدان وثوق ، راه را بر اتومبیل حامل مزدوران آمریکایی که در آن موقع عازم فرودگاه نظامی دوشان تپه از تاسیسات نیروی هوایی بودند ، بستند و از دو سواران رازبر آتش مسلسل گرفتند . در نتیجه این آتشباری دو تن از مزدوران ، بدون اینکه امکان هیچگونه عکس العملی بیابند ، در دم کشته شدند و نفرسم که زخمهای مهلکی برداشته بود ، به قصد فرار از اتومبیل خارج شد که مجدداً هدف رگبار گلوله ی انقلابیون قرار گرفت و کشته شد . راننده ی ایرانی اتومبیل این سه آمریکایی که دستورات فرماندهی عملیات مبنی بر عدم مقاومت در مقابل رزمندگان ما را کاملاً اجرا نموده بود ، بدون آنکه کوچکترین آسیبی ببیند ، در صحنه ی عملیات سالم برجای ماند .

بدین ترتیب ما بار دیگر نشان دادیم که سلاحهای ماتنما سینه ی نیروهای

استثمارگر ، امپریالیست ها و دست نشاندهگان مزدور آنها در طبقه‌ی حاکمه‌ی ایران ، شاه خونخوار و دارو دسته‌ی خائن اش را نشانه خواهد گرفت .
رقمای ما پس از اطمینان از انجام موفقیت آمیز عمل با فریاد های " مرگ بر شاه جنایتکار " ، " مرگ بر امپریالیزم جهانی " و " زنده باد انقلاب مسلحانه‌ی خلق " صحنه‌ی عملیات را ترك کردند و سالم به پایگاههای خویش بازگشتند .

در این عملیات اسناد و مدارك محتوی کیف این سه آمریکایی مزدور به نفع انقلاب صادره شد .

غارتگری و توطئه چینی امپریالیزم امریکا و مبارزه مسلحانه خلق ما

سالیان درازی است که مبارزه‌ی ضد امپریالیستی خلق ما علیه سلطه‌ی استثمارگرانه‌ی سرمایه‌داری تجاوزگر جهانی ، به اشکال گوناگون جریان دارد . زیرا مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در میهن ما ، همواره جز " تجزیه ناپذیری از مبارزه علیه رژیمهای دست نشانده و طبقات ارتجاعی حاکم در ایران بود ماست . همان طور که امروزه نیز مبارزه‌ی انقلابی تمام طبقات و اقشار خلقی جامعه و در رأس آنها مبارزه‌ی انقلابی پرولتاریا علیه حکومت دست نشانده‌ی شاه جنایتکار و سرمایه‌داری حاکم ایران ، نمی‌تواند از مبارزه‌ی علیه سرمایه‌داری جهانی و امپریالیستهای تجاوزگر غربی جدا باشد . در این میان ، امپریالیستهای آمریکایی ،

مرگ بر امپریالیستهای خونخوار امریکائی

نسبت به سایر نیروهای امپریالیستی ، از موقعیت کاملاً ویژه ای در ایران برخوردارند .

این موقعیت ویژه عبارتست از نفوذ و حاکمیت تام و تمام امپریالیسم آمریکادر تمام ارگانهای سیاسی - اقتصادی - نظامی طبقه ی حاکمه و سرمایه داری دلال صفت ایران .

سرمایه داری آمریکا از یکطرف در صد رجدول طول کشورهای صادرکننده ی کالا به ایران قرارداد و با گسترش شبکه های غارتگرانه ی اقتصادی اش در ایران از جمله بیش از ۵۰۰۰ شرکت آمریکایی الاصل - بزرگترین نفوذ اقتصادی در آسیا را سازمان داده است و از طرف دیگر با بسط ارگانهای جاسوسی و اطلاعاتی اش در ایران ، با نفوذ و حاکمیت کامل بر ارگانهای سیاسی - پلیسی - نظامی و فرهنگی رژیم ، اساسیترین خطوط سیاست داخلی و خارجی رژیم شاه و سرمایه داری حاکم ایران را دیکته می کند . خرید های هنگفت چند میلیارد دلاری اسلحه - (یک قلم در سال گذشته در حدود ۸ میلیارد دلار) و قرارداد اخیر ۴۰ میلیارد دلاری ، ابعاد و زمینه های دیگر این نفوذ را نشان می دهد . همچنین بیش از ۴۰ درصد از سهام کمپانیهای خریدار نفت ایران متعلق به کارتل های آمریکایی است . قریب ۳۰ هزار مستشار اطلاعاتی ، فنی و نظامی در ارگانهای مختلف نظامی ، پلیسی ، جاسوسی دولت فعالیت دارند . در یک کلام دولت شاه خائن و سیستم سرمایه داری حاکم ایران ، در بست در اختیار امپریالیستهای جهان خوار آمریکایی ، در اختیار جناحهای مختلفه ی آن - کارتلها و موسسات انحصاری رقیب در سرمایه داری آمریکا ، همینطور در اختیار پنتاگون و سیا (G.I.A) قرار دارد . آنها تمام منابع ثروت ما را غارت می کنند . میلیونها کارگر ، دهقان و پیشه ور زحمتکش ایرانی را استثمار می کنند ، آزادی

و استقلال مردم ما را در زیر شدیدترین تهاجمات امپریالیستی و تحت فشار دیکتاتوری خون آشام رژیم دست نشانده ی خود - رژیم شاه جنایتکار - به یاد فنامی دهند . فرزندان مبارز خلق را به تخته ی شلاق می بندند و حیوان صفتانه آنها را شکجه می کنند و میهن ما را مرکز توطئه و سرکوب خلق - های مبارز منطقه می سازند .

آنها به خوبی می دانند که جریان یافتن سیل میلیونها تن نفت به شکم سیری ناپذیر سرمایه داری غرب و حفظ جریان سود هنگفتی که از طریق استثمار خلق ما و غارت وحشیانه منابع طبیعی میهن ما به دست می آورند ، تنها با حفظ و حراست رژیم دست نشانده شاه و تقویت ارگانهای پلیسی ، نظامی و جاسوسی آن امکان پذیر است . بنا بر این کاملا روشن است که چرا خلق ما کینه ی شدیدی نسبت به امپریالیستهای امریکایی ابراز می دارد ، چرا مبارزه خود را برای رهایی از قید هرگونه سلطه سرمایه داری جهانی ، برای آزادی از زنج هرگونه ظلم و استثمار بورژوازی و فشار دیکتاتوری ، از مبارزه علیه امپریالیزم امریکا جدا نمی داند . روشن می شود که چرا امپریالیستهای امریکایی در هر لباس و موقعیتی باشند ، تحت هر نام و عنوانی که در ایران فعالیت کنند ، دشمنان در جوار خلق ما محسوب می شوند .

مستشاران معدوم و لیلیام کاترل ، رابرت کرونگارد ، دنالد اسمیت نیز جزو همان لشکر مزدوران امریکایی بودند که هم اکنون تحت عناوین گوناگون ، مستشار نظامی ، مستشار فنی یا اطلاعاتی و . . . در دستگاههای پلیسی ، نظامی و . . . شاه مزدور ، مشغول بکار بوده و مخفیانه سرکوب خونین و خفقان و فشار بی حدی را که از طرف رژیم شاه خائن بر خلق ما اعمال می شود رهبری می کنند .

نابود باد دودمان جنایتکار پهلوی

آنها تنها عاملی برای توسعه و تحکیم سلطه امپریالیستی و غارت و استعمار
 خلق ما توسط امپریالیسم امریکایه شمار می آیند ، بلکه خود نیز با دریافت حقوقهای
 هنگفت ، ثمره کار و زحمت مردم ما را می مکند و مطابق اسناد بدست آمده از همین
 جاسوسان ، حداقل حقوق هر یک از مستشاران امریکایی از ارتش ایران ، ماهیانه
 بالغ بر ۸۰ هزار تومان می شود بعبارت دیگر یک امریکایی مزدور ایران ، بخاطر
 جنایاتی که علیه منافع و آزادی خلق ما انجام می دهد ، یکجا حقوقی معادل دستمزد
 ۱۲۰ کارگر را از ثمره کار و زحمت مردم ما می پلعد . بدین ترتیب قریب ۳۰ هزار
 جاسوس و مزدور ارتشی و غیر ارتشی امریکایی که در استخدام دولت شاه قرار
 دارند ، یک قلم بالغ بر بیست و پنج میلیارد تومان (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰ / ۲۵ - توب
 مان) ثمره کار و زحمت توده های زحمتکش مردم را ، تنها بنام حقوق و دستمزد
 سالیانه خود می پلعد .

برای درک اهمیت این رقم و این دزدی هنگفت از جیب خلق ، کافی است
 خاطر نشان سازیم که بودجه کل آموزش و پرورش در سال گذشته (سال ۵۴)
 برای قریب ۶ میلیون دانش آموز ایرانی ، عبارت بوده است از : دوازده میلیارد
 و ششصد و نود میلیون تومان (۰۰۰ / ۰۰۰ / ۶۹۰ / ۱۲ - تومان) . یعنی سی هزار
 مستشار و جاسوس امریکایی در ایران ، مجموعاً دویزده میلیارد پولی را که دولت شاه
 خائن برای آموزش شش میلیون محصل ایرانی و ایجاد تاسیسات جدید آموزشی و
 غیره تعیین کرده است ، از این دولت دریافت می دارند .



شاه جنایتکار و دیگر دست نشاندهان مزدور هیات حاکمه فاسد ایران در فاصله
 زمانی اردیبهشت تا تیرماه سال جاری ، با کشتار وحشیانه ده هفتاد تن از

فرزندان دلاور خلق ، شادمانه به رقص درآمدند ، دم خود را با وفاداری کامل برای پادشاهان امریکایی خود تکان دادند و بدین ترتیب بار دیگر خوش خدمتی و خوش رقصی خود را به امپریالیستهای خونخوار امریکایی نشان دادند . آنها در همین حال مدعی شدند که با این ضربات ، سازمانهای انقلابی ایران را متلاشی کرده و جنبش مسلحانه پیشتاز ایران را با شکست قطعی رویرو کردند . بدین ترتیب رژیم شاه جنایتکار ، دستگاہهای رسوای تبلیغاتی اش و اربابان خود فروش سازمان امنیت ، زمینهای برای قدرت نمایی پیدا کرده و به کوششهای مذبحخانه ای مبنی بر شکست ناپذیر جلوه دادن قدرت خود دست زدند . آنها با به راه انداختن دستگاہ عظیم دروغ پراکنی خود ، کشتار مردم بیگناه را که به دست پلیس های وحشی سازمان امنیت شاه خائن صورت گرفته بود ، با بی شرمی تمام به آتش سلاحهای انقلابیون نسبت دادند و بدین ترتیب تلاشهای شکست خورده گذشته خود را در جهت وارونه جلوه دادن هدفهای انقلابیون تکرار کردند . اما این تلاشها که محکوم به شکست بود ، بالاخره شکست خورد و این قدرت نمایی ها دروغ پر از آنها همانطور که محکوم به رسوایی بود ، به رسوایی کشید .

اعدام سه مزدور امریکایی در صبحگاه ششم شهریور از طرف انقلابیون ما ، بار دیگر افسانه شکست ناپذیری دشمن خط بطلان کشید . بار دیگر طبیل های توخالی تبلیغاتی او را پاره کرد و نقاب از چهره مزدور شاه برداشت و نوکرفتگی او و دستگاہ طبقه حاکمهاش را در آستان اربابان امریکایی و ماهیت ضد خلقی و گرگ صفتانه او و رژیمش را از طرف دیگر نشان داد . البته شاه خونخوار پیش از این نیز نتوانست طاقت بیاورد ، او با قتل وحشیانه ی دوتن دیگر از رزمندگان انقلابی خلق در فاصله دو روز بعد از عمل انقلابی اعدام سه امریکایی

مزد و رکمال نوکر صفتی و سرسپردگی خویش را به اربابان امریکایی اش به نمایش گذاشت .
 در واقع این اقدام وحشیانه - قتل در ورزمنده انقلابی اسپیر - دقیقاً عکس العمل مذکور -
 خانه ای بود در قبایل در هم فرو ریختن هر چه بیشتر آسانه شکست ناپذیری و اعلام مجدد
 سرسپردگی و نوکر صفتی اش در مقابل اربابان امریکایی . اما این عکس العمل که ناچاری ،
 اجبار و موضع ضعف رژیم شاه را نشان می داد ، تنها با نفرت و انزجار شدید خلق
 روپرو نشد ، بلکه باز هم بیشتر از پیش موجبات رسوایی خود آنها را فراهم کرد . همینطور شاه
 نتوانست عملیات انقلابیون ما را با توطئه سکوت مواجه کند . زیرا اگر دولت دست نشانده
 او می توانست در مورد عملیات خرد اد ماه انقلابیون مجاهد ما - انفجار یا سگاه پلیس
 منطقه شمیران نو و انفجار مقر شهرداری همین ناحیه که به طرفداری از مبارزات مردم
 این محلات و علیه قوانین ضد خلقی شهرداری و زورگویی دستگا ههای پلیس دولت ، در
 اوج دروغ پراکنی های دستگا ه تبلیغاتی رژیم شاه خائن صورت گرفته بود ، - همچنان
 سیاست توطئه سکوت را در پیش بگیرد ، دیگر در مورد اعدام این سه امریکایی مسز و ،
 اجرای چنین سیاستی امکان پذیر نبود . در اینجا شاه خائن با جسد اربابانش رو برو
 بود و می بایست حتماً بر سر جنازه آنها به گریه وزاری بپرد ا زد . بدین ترتیب همان
 مطبوعات مزد وری که انقلابیون خلق را تروریستهای می نامیدند که بی هدف به درود یو
 ارشلیک می کنند و مردم را نشانه می گیرند و معلوم نیست چه هدفی دارند و . . . !!
 مجبور شدند نشان دهند که آتش سلاح انقلابیون به سمت مشخصی نشانه می رود . این
 سمت مشخص سینهی دشمنان خلق ، امپریالیستهای امریکایی و دست نشاندهان آنها ،
 شاه و طبقه حاکمه مزد وری است . مجبور شدند نشان دهند که انقلابیون متقبلاً
 اجرای مشکلترین و پیچیده ترین نقشی عملیاتی شدند تا کوچکترین خطری متوجه
 راننده ایرانی و زحمتکش اتومبیل حامل این مزد وران نشود . آنها عملاً با اجبار اعتراف
 کردند که ضربه مهمی به ثبات و امنیت گذاشتن شان وارد آمد و است . زیرا این عملیات

بارد یگر ثابت کرده بود که قدرت دشمن مطلق نیست و این قدرت حتی از نظر تاکتیکی (صرف نظر از نابودی حتمی استراتژیک دشمن) کاملاً ضربه پذیر است و مانند تمام نیروهای ارتجاعی، مانند تمام نیروهایی که پایگاهی در میان توده ها ندارند و محکوم به نابودی و واضعلال است. این عملیات بارد یگر این حقیقت را ثابت نمود که اصولاً به اعتبار ضعف های درونی سازمانهای انقلابی (ضعفهای درونی سازمان جنبش) و به اعتبار تفرقه و پراکندگی آنهاست که دشمن می تواند قدرت ضربتی و تاکتیکی خویش را علیه این نیروها به کار گیرد و بنابراین در جریان مبارزه آشتی ناپذیر با ضعفهای درونی سازمانی و درون جنبشی و در جریان شکل و وحدت نیروهای انقلابی وارد در جبهه نبرد است که امکان چنین ضرباتی به حداقل خود کاهش یافته و ساختمان درونی کل جنبش را برای مقابله با تهاجمات دشمن، قدرتمند و پرتوان ترمی سازد.

همچنین این عملیات نشانهی آن بود که شعلهی انقلاب مسلحانهی ایران خاموش شدن نیست. جنبش مسلحانهی خلق مادر جریان رشد خود ممکنست مانند هر جنبش انقلابی دیگری ضربات کم و بیش مهمی را متحمل شود، ممکنست برگروه یا گروههایی در طی جریان مبارزه ضرباتی وارد آید که برای مدتی آنها را از صحنه مبارزهی فعال دور سازد و یا حتی برای همیشه قدرت و توان سازمانی یک سازمان، یک گروه و یا یک نیروی انقلابی از دست برود، اما مبارزهی توده ها، مبارزهی مسلحانه ای که هم اکنون بعنوان اصلی ترین راه رهایی خلق حقانیت خویش را ثابت کرده است و نابود شدن نیست. در پای بیکران خلق، انقلابیونی دیگر، سازمانها و ارگانهای انقلابی دیگر پرورش خواهد داد و بدین ترتیب مبارزهی آشتی ناپذیر توده ها با رژیم سرمایه داری حاکم ایران، با امپریالیستها و دست نشاندهگان مزد و رانها، شاه و طبقه حاکمه، با شدت باز هم بیشتری ادامه خواهد یافت.



ای توده های عظیم خلق ما!

کارگران - دهقانان - روشنفکران!

روحانیون - پیشه وران - بازاریان!

دانشجویان و دانش آموزان!

زنان و مردان انقلابی!

امپریالیستهای آمریکایی و رژیم شاه جنایتکاره بزرگترین دشمنان مردم رنج دیده ی ما و خلقهای تحت ستم منطقه هستند . بدین ترتیب مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه جنایتکار بهیچوجه نمی تواند از مبارزه قهرآمیز برای نابودی سلطه ی امپریالیستهای خونخوار آمریکایی جدا باشد . آنها هرروز توطئه ی بزرگتری را برای سرکوب مبارزات مردم ما و خلق منطقه تدارک می بینند . آنها همان کسانی هستند که هم اکنون شماره عظیمی از فرزندان راستین و مبارز خلق ما را در سیاهچالهای ساواک و شهریان ، در حالیکه به تختی شلاق بسته شده اند و بدنهایشان با اجاق برقی و شوک الکتریکی سوخته است ، به بند کشید هاند . آنها کسانی هستند که دیکتاتوری سیاه شاه جنایتکار را بریانگهداشته اند و به او و اشرار و قاتلان سازمان امنیت شاه اجازه داد هاند تا ایران را به یک زندان بزرگ تبدیل کنند . آنها کسانی هستند که چون زالو خون مردم زحمتکش ما را می مکند و منابع ثروت طبیعی ما را غارت می کنند . آخرین توطئه ی غارتگرانه از این دست ، تحمیل یک قرارداد اسارت آور ۴۰۰ میلیارد تومانی به خلق ما ، از طرف همین امپریالیستهای خونخوار و بدست رژیم شاه خائن است . مطابق مفاد این

قرارداده تمام منابع ایران و تمام نیروی کار خلق زحمتکش مادرست تسلیم امپریالیست- های آمریکایی می شود و در عوض شاه خائن و دولت مزد و ران نیز سهم مناسبی از این دلالی ازاربا بان خود دریافت می کنند .

توده های مبارزو زحمتکش ما :

مبارزوی انقلابی خود را علیه دیکتاتوری شاه جنایتکار و سلطه ای امپریا - لیسم آمریکا بر میهنمان شدت بخشید . در حول سازمانهای مسلح پیشتاز متشکل شود و مبارزهی خود را تحت چنین تشکلی تا نابودی کامل دشمن ، شاه و اربابان آمریکایی اش به انجام رسانید .

نابود باد دیکتاتوری شاه جنایتکار ، سگ زنجیری آمریکا
پرتوان تر باد دستان انتقام گیر فرزند ان انقلابی خلق
نابود باد نفوذ سلطه طلبانه ای امپریالیسم آمریکا در منطقه

" سازمان مجاهدین خلق ایران "

د هم شهریور ۵۵

برافراشته تر باد پرچم مبارزات

ضد امپریالیستی - ضد سلطنتی توده ها